

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد مبانی فلسفی حقوق بشر

جلد اول:

فلسفه طبیعی حقوق بشر

محمد جواد جاوید

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سرشناسه: جاوید، محمدجواد، ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور: نقد مبانی فلسفی حقوق بشر / نویسنده محمدجواد جاوید.

مشخصات نشر: تهران: مخاطب، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ج: جدول، نمودار.

شابک: ج. ۶۱-۳-۹۱۱۸۲-۹۷۸-۶۰۰-۲: ۱-۲-۹۱۱۸۲-۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست‌رسی: فیا

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیا).

یادداشت: کتابخانه

یادداشت: نمایه

مندرجات: ج. ۱. فلسفه طبیعی حقوق بشر. ج. ۲. فلسفه اسلامی حقوق بشر

موضوع: حقوق بشر -- فلسفه

موضوع: حقوق بشر -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع: حقوق مدنی

موضوع: حقوق طبیعی

ردمبندی کنگره: ۱۳۹۱ ج ۲۵۷ / C۵۷۱

ردمبندی دیویی: ۳۴۱/۲۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۱۸۲۷

عنوان: نقد مبانی فلسفی حقوق بشر جلد اول

نویسنده: محمدجواد جاوید

ویراستار: محمدرضا سهرابی

صفحه‌آرا: لیلا کاظمی

طراح جلد: زهرا فرجی

ناشر: مخاطب

نوبت چاپ: اول

تعداد: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۴۰۰ تومان

تلفن پخش: ۰۹۱۲۳۰۸۷۲۳۲

«اللهم انت السلام و منك السلام

و لك السلام و إليك يعود السلام»

تقدیم به

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

او که شهید راه صلح و عدالت برای انسانیت است

www.ketab.ir



۱	مقدمه
۲۱	بخش اول. نظریه حقوق طبیعی بشر (انسان‌شناسی حقوق بشر)
۲۳	فصل اول. در هنجای طبیعت انسانی
۵۵	فصل دوم. در چیستی طبیعت انسانی
۶۹	بخش دوم. نظریه حقوق قراردادی بشر (جامعه‌شناسی حقوق بشر)
۷۱	فصل اول. نظریه‌های گذر از وضع طبیعی به وضع مدنی
۷۷	فصل دوم. نظریه‌های عدالت محورو در حقوق بشر
۹۱	فصل سوم. نظریه عدالت اجتماعی
۱۰۷	فصل چهارم. نظریه عدالت طبیعی
۱۱۷	فصل پنجم. نظریه‌های دولت مردمی
۱۴۱	فصل ششم. حاکمیت یا مدیریت: نظریه‌ای در باب شهروند قانونی
۱۶۱	نتیجه
۱۶۷	منابع
۱۷۵	نمایه

فهرست تصاویر

عنوان	صفحه
تصویر (۱) حاشیه‌های نامطلوب فرهنگی در مسیر قوانین طبیعی	۶۰
تصویر (۲) عناصر سازنده طبیعت انسانی	۶۲
تصویر (۳) عقل در توازن بخشی به طبیعت انسان	۶۴
تصویر (۴) سیر دو نظام معنوی و مادی در عالم خلقت و جایگاه انسان	۶۵
تصویر (۵) سیر تکامل و شناخت قوانین طبیعی	۶۶
تصویر (۶) تقدم قانون طبیعی بر حقوق طبیعی و حقوق بشر	۶۷
تصویر (۷) از حقوق بشر تا حقوق شهروندی	۶۷
تصویر (۸) سیر تکامل حقوق بشر مبتنی بر قرارداد	۷۵
تصویر (۹) معیارها و مصادق تحکیم مکاتب حقوق ذهنی و عینی	۸۵
تصویر (۱۰) عناصر دخیل در تأسیس، ترسیم و شناخت حقوق بشر	۸۷
تصویر (۱۱) عناصر دخیل در تأسیس، ترسیم و شناخت حقوق شهروندی	۸۷
تصویر (۱۲) مسیر حقوق بالقوه تا حقوق بالفعل	۱۰۸
تصویر (۱۳) از نیازهای بنیادین تا حقوق انسانی	۱۱۰
تصویر (۱۴) سلسله مراتب اولویت‌ها در حقوق اولیه افراد	۱۱۱
تصویر (۱۵) کار و تقسیم کار، شرط برخورداری از حقوق اجتماعی	۱۱۳
تصویر (۱۶) سیر حقوق بالقوه تا حقوق بالفعل در جامعه	۱۱۴
تصویر (۱۷) اولویت‌های حقوق داخلی و بین‌المللی حقوق شهروندی و بشری	۱۳۱
تصویر (۱۸) امنیت خرد، بستر مشترک در حوزه حقوق شهروندی و بشری	۱۳۲
تصویر (۱۹) با عدالت، از امنیت تا آزادی	۱۳۷
تصویر (۲۰) از قدرتمندی تا عدالت‌ورزی	۱۴۷

مقدمه

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى
وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید! همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و از کافران شد. (البقره: ۳۴)

فلسفه حقوق بشر معاصر آکنده از مباحثی کلان در حوزه فلسفه و حقوق است که تفکیک نیک آن‌ها از همدیگر سرچشمه نقدهایی بر بنیان آن می‌گردد. با این فرض که هر نقد فلسفی، از مبادی و منابع موضوع مورد نقد نمی‌تواند غفلت کند، نقد مبانی فلسفی حقوق بشر در حقیقت نقدی بر بنیان‌های پیشینی تأسیس فلسفه حقوق بشر هم هست. به این اعتبار، از یک طرف، توجه به ابعاد انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی در حقوق بشر، خواسته یا ناخواسته، میهمان مباحث حوزه نقد فلسفی خواهند بود. از طرف دیگر نسبت حقوق بشر با حقوق شهروندی طبیعتاً بعد دیگری از مباحث این نقد را رونق می‌بخشد که ذیل رویکرد جامعه‌شناختی قابل بررسی است. در یک نقد واقع‌گرایانه، مبانی فلسفی حقوق بشر یا براساس آنچه «هست» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (یعنی اغلب آنچه در قوانین و موازین موجود در اسناد بین‌المللی مطرح است) و یا گفتمان رایج جهانی در حوزه‌ای فراتر از صرف قانون نوشته در فضای عرف حقوقی حاکم مورد توجه قرار می‌گیرد. این نگاه واقعگرا، وضعیت حقوقی جهان معاصر را مناسط تحلیل می‌داند؛ اما آنچه «باید» باشد راهکاری مطلوب‌تر است شاید تنها به این دلیل که جهان آینده را امیدوارانه‌تر ترسیم می‌کند. این نگاه آرمانگرایانه البته لزوماً از نقد صرف این مبانی فلسفی حقوقی بشر برنمی‌خیزد، بلکه نیازمند توجه به ابعاد سه‌گانه پیش‌گفته است تا طرحی نو دراندازد.

۱. تاریخچه انتقادی حقوق بشر در جهان معاصر

امروزه عموم محققان و متفکران حقوقی، سیاسی و اجتماعی، در تمیز مرزهای بشر و حقوق شهروندی، تعاریف متفاوت و متعارض، و گاه همسان و یکسان، ارائه کرده‌اند. گاهی حقوق بشر را در رده حقوق بین‌الملل قرار داده و گاهی آن را به‌عنوان نمود جوهری حقوق فردی در خانواده

به‌شمار آورده‌اند. گاهی از حقوق فرد و تکالیف دولت در برابر او و گاهی از حقوق دولت و تکالیف شهروند در برابر او سخن گفته‌اند. در برخی موارد حقوق خصوصی و فرد سکوی پرواز حقوق انسانی تلقی گردیده و در مواردی نیز حقوق عمومی و بین‌الملل، آسمان نزول حقوق بشر به اندرون خانواده‌ها، افراد و اشخاص حقیقی ارزیابی گردیده است. اعلامیه ۱۷۸۹ فرانسه بین حقوق بشر و حقوق شهروندی^۱ تمایز قائل شده است. اما آیا ممکن است بعضی از حقوقی که امروزه به‌عنوان حقوق بشر ادعا می‌شود اساساً هیچ ارتباطی با حقوق بشر نداشته باشند، بلکه حقوقی باشند که افراد به‌عنوان شهروندان دولت‌های خاص از آن‌ها برخوردار هستند؟ زمین و زمان، و بام و هوای این حقوق به‌واقع کجاست؟ آیا حقوق شهروندی همان حقوق بشری است؟ آیا حقوق شهروندی نسخه‌ای از حقوق انسانی در سطح و گستره بومی است؟ و یا اینکه این دو از مصادر و منابع متفاوت‌اند و در نتیجه با دوگونه از انسان‌ها روبرویند؟ همه این سؤال‌های فرعی زمانی پاسخ مقبولی می‌یابند که به نیکی بر فلسفه حقوق بشر و شهروندی و تمایز آنان از هم وقوف یابیم. اما شاید بیان نقد فلسفی و حتی فهم فلسفی حقوق بشر بی‌ارتباط با تاریخچه انتقادی شکل‌گیری نهادهای رسمی و غیررسمی در این خصوص نباشد. واقعیت آنست که در عصر حاضر، مشهور به عصر پست‌مدرن (فراجد)، اندیشه‌های حقوقی و به‌ویژه تفکر حقوق بشری گفتمانی غالب در منظومه فکری، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی شهروندان به‌وجود آورده‌اند، به‌طوری که همگان ناچار به استنشاق در این فضا شده‌اند، و موافق و مخالف در آن به اعلام نظر و اتخاذ موضع پرداخته‌اند. شاید واضح‌ترین نشانه تعهد عصر گذشته، یعنی مدرنیته، به حقوق در یک روایت کلان، اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد که در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل به تصویب رسید.^۲ این سند نشان‌دهنده شیوع تفکر حقوقی‌ای است که نهادی همچون سازمان ملل، به‌رغم آنکه کشورهای عضو آن هریک حامی ایدئولوژی‌های معارض و با فرهنگ‌های مختلف بوده‌اند، توانسته است از چنین اعلامیه‌ای رسماً حمایت کند.

1 citizenship rights

2. postmodern

۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در دسامبر ۱۹۴۸، این اعلامیه را با ۲۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع تصویب کرد. اعلامیه متشکل از یک مقدمه و ۳۰ ماده است که مواد ۳ تا ۲۱ آن درباره حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲۲ تا ۲۷ در ارتباط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۲۸ تا ۳۰ آن، وجود نظامی را که تحقق حقوق بشری در آن ممکن و میسر باشد قسمتی از حقوق اصلی بشر قلمداد کرده است. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص نک. عالیہ لوفعی، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷.

اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ با دو میثاق دیگر همراه بود که حقوق بشر را با جزئیات بیشتری بیان می‌کرد: یکی درخصوص حقوق مدنی و سیاسی،^۱ و دیگری درخصوص حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.^۲ سازمان ملل همچنین خود را متعهد به معاهدات حقوقی خاصی در مورد مسائلی نظیر نسل‌کشی، برده‌داری، شکنجه، حقوق پناهندگان، تبعیض‌های جنسی و دینی و حقوق کودک نموده است. در عین حال، توجه بین‌المللی به حقوق بشر محدود به سازمان ملل نبوده است.

مناطق مختلف جهان بیانیه‌های حقوق بشر خاص خود را ارائه داده و اتخاذ نموده‌اند. در سال ۱۹۵۰، بیست کشور اروپایی معاهده اروپایی حقوق بشر را امضاء نمودند و دادگاه اروپایی و کمیسیون اروپایی را برای اجرا و نظارت بر آن معاهده تشکیل دادند. «اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان»^۳ در سال ۱۹۴۸ شش شد و در سال ۱۹۶۹، چندین دولت آمریکای لاتین تعهد خود به پایبندی به معاهده آمریکایی حقوق بشر (معروف به عهدنامه سن خوزه) را اعلام کردند و دادگاه و کمیسیونی برای به‌سرگذاشتن آن معاهده به‌وجود آوردند. در سال ۱۹۸۱، سازمان وحدت آفریقا «منشور آفریقایی حقوق انسان و مردم» (معروف به بانجول) را به تصویب رساند، که از سال ۱۹۸۶ لازم‌الاجرا گردید.

هرچند وجود این اعلامیه‌ها، میثاق‌ها و حمایت‌ها، بیانگر نفوذ اندیشه حقوق بشری در اندیشه سیاسی مدرن است، باید گفت که این اعلامیه‌های بین‌المللی و دستگاه‌های اجرایی وابسته به آن اغلب تأثیر محدودی بر زندگی مردم نهاده‌اند- مردمی که این اعلامیه‌ها به‌ظاهر برای آن‌ها

۱. با توجه به ناکافی بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر برای تحمیل تعهدات حقوقی، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد (سلف شورای حقوق بشر فعلی)، مبادرت به تهیه پیش‌نویس این میثاق در زمینه حقوق بشر نمود. متن میثاق مشکل از یک مقدمه و ۵۳ ماده در قالب ۶ بخش تدوین شده است. هدف آن در درجه اول، متوجه ایجاد تعهدات الزام‌آور حقوقی برای دول عضو در ارتباط با مسائل حقوق بشر بود. این میثاق، حمایت از افراد در مقابل تعدی دولت در رابطه با آزادی افراد و مشارکت در زندگی عمومی را دنبال می‌کند و این حقوق از جمله حق حیات، حق محاکمه عادلانه و منع شکنجه است؛ این دسته از حقوق بشر ابتدا در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سپس در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفت. نک.

A. Smagadi, *Sourcebook of International Human Rights Materials*. London: British Institute of International Law and Comparative Study. 2008; P. 7.

۲. این سند، که گاهی از آن به عنوان منعکس‌کننده حقوق نسل دوم یاد می‌شود، در زمره مهمترین سندهای حمایتی حقوق بشر است. متن این میثاق از یک مقدمه و ۳۱ ماده در قالب پنج بخش شکل گرفته است. این سند یک معاهده عام حقوق بشری است که در سال ۱۹۶۶ پذیرفته شد و در سال ۱۹۶۷ میلادی لازم‌الاجرا شد و معیارهای حقوق بشری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در درون خود جای داده است و دولت‌های پذیرنده این میثاق را نسبت به این معیارها متعهد می‌نماید.

3. American Declaration of the Rights and Duties of Man

تهیه شده بودند. این اعلامیه‌ها و میثاق‌ها حتی امکان نوعی تعامل و تبادل ضمانت‌های حقوق بشری متقابل برای دولت‌ها در سطح منطقه‌ای را نیز به وجود نیاورده‌اند.^۱ شاید نتوان به مفهوم دیگری اندیشید که توانسته باشد به اندازه حقوق بشر و شهروندی به چنین جایگاهی در جامعه بین‌الملل دست یافته باشد، با وجود این، به سستی می‌توان حتی نسبت به بعضی استفاده‌هایی که از دکترین حقوق بشر در سیاست خارجی معاصر می‌شود، بدین نبود. توسل دولت‌ها به حقوق بشر اغلب سهل‌انگارانه و گزینشی‌تر از آن است که بتوان باور کرد حقوق بشر را رعایت می‌کنند.

انقلاب فرانسه و، در پی آن، «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» سال ۱۷۸۹ حتی بر اندیشه دولتمردان آن کشور هم تأثیر چندانی نگذاشت. ژیل مانسرون^۲ در کتاب *ماریان و مستعمرات*^۳ نشان می‌دهد که، برعکس، در این دوره رفتار و اعمال رؤسای حکومتی و ارتش‌های استعماری، از یک اراده سیاسی و ایدئولوژیک ناشی می‌شده، که عملاً رویه ضدحقوق بشری و شهروندی را توجیه می‌کرد. به‌رغم اینکه فیلسوفان قرن هیجده و انقلابیون چون ماکسیمیلیان روبسپیر^۴ و ژان پل مارا^۵ این اعمال ضد انسانی را محکوم کردند، نظریه‌های قوم‌گرا و نژادپرستانه که توسط برخی دانشمندان این عصر وضع و تدوین شده بود باعث حمایت کسانی چون ژول فری^۶ گردید، کسی که به‌عنوان پدر نظام تربیتی دولتی و لائیک در مدارس مشهور شد. اموری چون به نمایش گذاشتن وحشی‌ها در پارک‌های تفریحی و باغ وحش‌ها، ترانه‌ها و کاریکاتورها، همه و همه، به سهم خود در زیبا جلوه‌دادن استعمار انسان‌ها شرکت داشته‌اند تا استعمار را به‌رغم اعلامیه‌های حقوق بشری

۱. برای مثال، همین ویژگی است که دیوان آمریکایی حقوق بشر را به این نتیجه برساند که معاهدات حقوق بشر مشمول ملاک‌های رایج معاهدات بین کشورها، که همان مبادله متقابل است، نمی‌باشند. نظریه مشورتی دیوان آمریکایی حقوق بشر در خصوص تأثیر حق شرط بر لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (نواد ۷۴-۷۵) ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۲، این است که: «معاهدات نوین حقوق بشر به‌طور عام و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به‌طور خاص، معاهدات چند جانبه‌ای از نوع معاهدات متعارف به‌شمار نمی‌روند که به‌منظور دستیابی به مبادله متقابل حقوق و منافع متقابل کشورهای عضو شکل گرفته باشند. موضوع و هدف این معاهدات، عبارت از حمایت از حقوق بنیادین افراد بدون توجه به تابعیت آنها، هم در برابر کشور متبوع خود و هم دیگر کشورهای عضو است. در وضع معاهدات حقوق بشری، کشورها می‌پذیرند که خود را تسلیم نظم حقوقی نمایند که به خاطر خیر عمومی، تعهدات متوعی را نه در رابطه با دیگر کشورها، بلکه در برابر افراد درون حوزه صلاحیت خود به عهده می‌گیرند.»

2. Gilles Manceron

۳. ژیل مانسرون. *ماریان و مستعمرات*، مقدمه‌ای بر تاریخ استعمار فرانسویان. به نقل از *لوموند دیپلماتیک*، آخرین شماره

آوریل ۲۰۰۶.

4. Maximilien Robespierre (1758-1794)

5. Jean-Paul Marat (1743-1793)

6. Jules Ferry (1832-1893)

به‌عنوان حامل و ارمغان تمدن برای انسان‌های «فرو دست» معرفی کنند. به‌رغم مبارزات حقوق بشری آن عصر، فرانسه، مهد حقوق بشر و شهروندی، تنها کشوری بود که جرئت کرد برده‌داری را مشروع و قوانینش را تدوین کند و نوع و چگونگی مجازات‌های بدنی و قطع عضو، مثل بریدن گوش و شکستن دست و پای سپاهان سرکش و عاصی را به‌شکل قانون تدوین کند.^۱ البته در این ماجرا کلیسا هم بی‌تقصیر نیست.^۲

دوستداران آزادی و حقوق انسانی نمی‌توانند چشمان خود را از شهوت قدرت‌پرستان بردارند. انقلابیون ۱۷۸۹ فرانسه فکر می‌کردند در اعلامیه حقوق بشر بردگی را ملغی کرده‌اند، اما واقعیت آن است که فقط مسیر را برای معرفی دوباره بردگی تحت دیکتاتوری نظامی ناپلئون بناپارت، که جایگزین رژیم پیشین شد، هموار کردند.^۳ به دلیل همین آثار عملی بود که ادموند برک^۴، فیلسوف و سیاستمدار بریتانیایی، در مشهورترین اثر خود، یعنی تأملاتی در باب انقلاب در فرانسه^۵ (۱۷۹۰)، فقط یک سال پس از وقوع انقلاب فرانسه، ادعاهای مرتبط با آزادی نامحدود و حقوق جهان‌شمول بشری را که در سخنان انقلابیون بازتاب می‌یافت به‌عنوان اصولی خطرناک و صرفاً مجرد و نظری منکر شد و چنین استدلال کرد که حقوق «واقعی» باید همواره تابع نیاز به نظم اجتماعی و دولت باثبات باشند و همواره به این نیاز محدود شوند. آنچه او بر آن پافشاری کرد نامی جز حقوق شهروندی ندارد، چون برای او در آزادی و حقوق نیز باید اعمال محدودیت شود تا خرد جمعی قدرت حمایت از نهادهای اجتماعی و سیاسی را داشته باشد.

به‌هرحال، جدا از معضل نظری و خلط مفهومی، در عمل هم هنوز دولتمردان معاصر از رویه سابق ضد انسانی سلف خویش اظهار ندامت نمی‌کنند. هنوز هم در سال ۲۰۰۹ دولت‌هایی، باصراحت، خود را مخاطب کنفرانس‌های ضد نژادپرستی سازمان ملل می‌دانند و آگاهانه و عامدانه به تحریم برگزاری چنین دادخواهی‌هایی می‌پردازند.^۶

۱. قوانین سپاهان در سال ۱۶۸۵ منتشر و در ۱۸۴۸ لغو گردید.

۲. نک. محمدجواد جاوید، حاکمان پنهان در ایران و جهان، مرکز مطالعات و سنجش برنامه‌های صلح‌ساز، ۱۳۷۸، فصل دوم.

3. K. Binmore, *Natural Justice*. Oxford University Press. 2005, P. 41.

4. Edmund Burke (1729-1797)

5. *Reflections on the Revolution in France*, 1790.

۶. سپاه‌های وحشتناک در این‌باره را در کتاب *سیاه استعمار: از قرن شانزده تا بیست و یک* از کشتار دسته‌جمعی تا نوبه، که زیر نظر مارک فرو منتشر شده است، می‌توان به تفصیل خواند.

۷. سازمان ملل مدت‌هاست تلاش می‌کند که موافقت دولت تازه آمریکا را برای شرکت در این کنفرانس جلب کند. اما دولت آمریکا همچون گذشته به تحریم کنفرانس ضد نژادپرستی سازمان ملل که در ماه آوریل ۲۰۰۹ برگزار می‌شود پرداخته است. جالب است که دولت ایالات متحده آمریکا همچنین با بندی از پیش‌نویس مخالف است که می‌خواهد «اهانت به ادیان» را ممنوع

درواقع، باید گفت که امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که توانسته است اصول آرمانی اعلامیه جهانی حقوق بشر را به‌طور کامل تحقق بخشد. اصل بیست و پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید که «هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، به‌ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود». حق بر سلامت و حق تغذیه مناسب بعد از حق حیات اساسی‌ترین حقوق بشر هستند. باین‌حال، هر روز صدهزار انسان در جهان بر اثر گرسنگی می‌میرند. در هر دقیقه بیش از ده نفر در جهان بر اثر بیماری ایدز می‌میرند. بیش از ۹۰ درصد موارد آلودگی و ۹۵ درصد تلفات انسانی آن متعلق به کشورهای در حال توسعه است که عملاً فاقد امکانات مناسب درمانی هستند.^۱ از زمان شیوع ایدز تا سال ۲۰۰۸، ۷ میلیارد دلار برای مبارزه با این بیماری خرج شده است. اما تنها ۳ درصد این مبلغ برای کشورهای جهان سوم، جایی که ۹۰ درصد مبتلایان به این بیماری زندگی می‌کنند، خرج شده است. کودکان در کشورهای فقیر بر اثر ناآگاهی از ایدز و در کشورهای توسعه‌یافته به‌وسیله اقدام آگاهانه و سقط جنین از بین می‌روند. هر ساله در جهان بین ۴۲ تا ۷۰ میلیون سقط جنین صورت می‌گیرد.^۲ فقط در آمریکا از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۵ بالغ بر ۲۵ میلیون سقط جنین قانونی گزارش شده است.^۳ یکی از استدلال‌های جالب توجه در این خصوص، «اسان» تلقی‌نشدن جنین به‌واسطه شهروند نبودن اوست.^۴

حدود ۲۰ درصد از جمعیت جهان با درآمدی کمتر از یک دلار و بیش از ۴۵ درصد جمعیت این کره خاکی با درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند،^۵ درحالی‌که ۱۵ درصد جمعیت جامعه بشری دارای درآمد متوسط بالای ۷۵ دلار در روز دارند.^۶ در فاصله ۴ سال اخیر،

کند. همان‌گونه که به گزارش روزنامه واشینگتن پست، ایالات متحده آمریکا آن بخش از طرح چند پایانی این کنفرانس را نیز رد می‌کند که خواهان پرداخت غرامت از بابت برده‌داری است:

Colum Lynch, Washington Post Staff Writer Saturday, February 28, 2009; Page A06: *U.S. May Boycott U.N. Racism Conference Over Document*. <http://www.washingtonpost.com>

۱. سازمان ملل متحد، حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد، نیویورک، ۲۰۰۴، ص ۲۰۱.

2. Guttmacher Institute, *Facts on Induced Abortion in the United States*, www.guttmacher.org, July, 2008.

3. Ibid.

4. Pettit Philip, *Reworking sandel's republicanism*, *Jurnal of philosophy*, 1998, p 57.

۵. برای مثال، بیش از ۶۵ درصد از حدود یک و نیم میلیون فلسطینی ساکن غزه در فقر مطلق به‌سر می‌برند. چرا که، طبق استانداردهای سازمان ملل، درآمد زیر ۲ دلار در روز یک زندگی زیر خط فقر است؛ با این وصف، غالب مردم غزه به زحمت می‌توانند روزی حدود ۱۰ شیکل (معادل ۲ دلار) برای زندگی روزمره خود هزینه کنند. نک.

<http://www.bbc.co.uk/blogs/persian/israel/>

۶. در این رابطه نک. به آمار و اطلاعات کتاب‌های زیر:

۷۵ میلیون نفر به شمار گرسنگان در جهان افزوده شده است. در سپتامبر ۲۰۰۸، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی تعداد گرسنگان جهان را که حدود ۸۵۴ میلیون نفر برآورد می‌شد، تصحیح کرده و آن‌ها را بالغ بر ۹۲۳ میلیون نفر تخمین زده است. این سازمان، دلیل اصلی این مسئله را علاوه بر افزایش بهای انرژی و مواد غذایی، خودداری کشورهای غنی در کمک‌رسانی مؤثر به دیگر نقاط دنیا در راستای تحقق اهداف سازمان ملل می‌داند. ژوزه گراسیانو، رئیس وقت سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)، می‌گوید پولی که دولت بوش برای نجات بحران مالی بانک‌ها (اکبر ۲۰۰۸) اختصاص داده ۲۰ برابر بیش از مبلغی است که می‌توان با آن گرسنگی را در جهان ریشه‌کن کرد.

دولت‌های اروپایی و آمریکایی سالیانه مقادیر زیادی از غلات و لبنیات خود را به دلیل هراس از کاهش قیمت نابود می‌کنند. علاوه بر روند سالیانه ریختن گندم و ذرت آمریکایی به دریا، در سال ۲۰۰۹^۱ در اروپا و در یک حرکت هماهنگ در بلژیک و فرانسه، معترضان به کاهش قیمت لبنیات، بیش از ۴ میلیون لیتر شیر را برای شستشوی معابر و آبیاری مزارع استفاده کردند. در حالی که در اول سپتامبر ۲۰۱۰، جمعیت جهان به بیش از ۶ میلیارد و ۸۶۰ میلیون نفر رسید، تعداد گرسنگان جهان و انسان‌هایی که دارای سوء تغذیه هستند به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر رسید که بیش از ۸۵ درصد آنان در کشورهای غیر غربی هستند و در همین زمان تعداد افرادی که دارای اضافه وزن هستند و باید رژیم‌های ضد چاقی بگیرند به یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون نفر می‌رسد که بیش از ۸۰ درصد آنان در کشورهای غربی و استرالیا و ژاپن زندگی می‌کنند.^۲ نزدیک به یک و نیم میلیارد انسان در همین سال از دسترسی به آب آشامیدنی سالم بی‌بهره‌اند. روزانه در جهان بیش از ۳۰ هزار نفر از گرسنگی می‌میرند. آیا اکنون می‌توان باور نکرد که دولت‌های طرفدار حقوق بشر معاصر عملاً خود بزرگترین سد توسعه حقوق بشر شده‌اند؟ آیا می‌توان تساوی حقوق بشری انسان غربی و انسان غیر غربی را باور کرد؟

با وجود تأکید بسیاری از کنوانسیون‌ها و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی بر لزوم رعایت حقوق زنان، هنوز هم در بسیاری از جوامع تساوی عادلانه در حقوق زن و مرد وجود ندارد.^۳ ماده اول و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید که همگان برابر آفریده شده‌اند و زن و مرد تفاوتی در

Thomas Pogge, *World Poverty and Human Rights*. Cambridge: Polity Press. 2002; pp. 97-99.

Joseph Stiglitz, *Globalization and its Discontents*. London: Penguin. 2002; p. 25.

Martin Wolf, *Why Globalization Works*. New Haven: Yale University Press. 2004; pp. 157-63.

۱. ۱۷ و ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹-۰۹ به نقل از فرانس ۲۴.

۲. آمار جالب و لحظه به لحظه‌ای در این خصوص به زبان‌های مختلف، از جمله فارسی، در سایت زیر وجود دارد:

Worldometers: Statistiques mondiales en temps reel: <http://www.worldometers.info/fr/>

۳. الشبل العجز، المرأة العربية رؤية من الداخل، ۲۰۱۰.

برابر قانون نباید داشته باشند. ماده ۲۶ بر حق برخورداری همگان از تعلیم و تربیت تصریح دارد. اما امروزه شاهدیم که «از هر سه بی سواد جهان، دو نفر زن هستند. ۷۰ درصد کودکانی هم که به مدرسه نمی روند، دخترچه ها هستند»^۱ در سراسر جهان، حتی در اروپا زنان دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می کنند.^۲ براساس آمار یونسف، هر ساله ۱۶ میلیون کودک در سراسر جهان از گرسنگی یا بیماری های «قابل درمان» می میرند. این رقم ما را با این واقعیت مواجه می سازد که، جدا از کودک کشی و کودک خواری،^۳ هر چهار سال تعداد مرگ و میر کودک برابر می شود با کل مرگ و میر انسان ها در جنگ جهانی دوم و کشتارهای متعاقب آن. آری، هر چهار سال یک بار، یک جنگ جهانی بر علیه کودکان رخ می دهد! آیا می توان باور کرد که کودکان انسان نیستند؟!

ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: «هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد». اما طبق گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل هنوز هم در بیش از ۱۵۰ کشور جهان انسان ها را شکنجه می کنند. هنوز طبق آمار یونسف ۴۰ تا ۶۰ درصد زنان در فرانسه و آمریکا و ۸۰ درصد زنان در هندوستان از سوی همسرانشان مورد ضرب و شتم قرار می گیرند.^۴ در سال ۲۰۱۰، مدت ها قبل از روز جهانی منع خشونت علیه زنان، بحث درباره موضوعی بس غریب، یعنی تجاوز جنسی به زنان در جنگ، مسئله حاد معاصر بود. چرا که، برای مثال، در ۱۳ سال گذشته فقط در جمهوری کنگو ۲۰۰ هزار زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. حساسیت های فزاینده راجع به این مسئله باعث شد که سازمان ملل خشونت جنسی علیه زنان در دوران جنگ را مصداق «جنایت علیه بشریت» اعلام کند.^۵

ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق امنیت تأکید دارد. امروزه، بحران امنیت، فراتر از امنیت شخصی، بنیان بشریت را تهدید می کند. به اعتراف البرادعی، مدیر کل سابق آژانس

1. Éducation de base et Égalité des sexes

http://www.unicef.org/french/media/media_45452.html

2. <http://www.dsw-online.de/>

http://www.dsw-online.de/en/news_and_publications/annual_report.shtml

3. 9-year old girl was abducted by 4 Chinese men <http://www.clubk.us/flopip-610180.html?link=%20axha>

4. Des violences contre les femmes http://www.unicef.org/french/media/media_50974.html

۵. ناگفته نماند که در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل ۲۵ نوامبر را به عنوان روز جهانی «تقی خشونت علیه زنان» به رسمیت شناخت. شورای امنیت سازمان ملل نیز در سال ۲۰۰۰ قطعنامه ۱۳۲۵ را با عنوان «زنان، صلح و امنیت» به تصویب رساند که محورهای اصلی این قطعنامه به پیشگیری مناقشات و خصومت ها در درون و در میان کشورها، تأمین مشارکت زنان در حیات سیاسی و اجتماعی و نیز ممانعت از اعمال خشونت علیه آن ها مربوط می شوند. این قطعنامه مبتنی است برای آن که خشونت های گوناگون علیه زنان بدون مجازات نمانند و عاملان آن ها به پای میز محاکمه کشیده شوند.

بین‌المللی انرژی اتمی، «پیمان ان.بی.تی به این دلیل بسته شد که همه کشورهای سمت‌وسوی خلع سلاح اتمی را پیش بگیرند. در حالی که اکنون به جای پنج کشور اتمی، نه کشور اتمی وجود دارد و شمار کلاهک‌های هسته‌ای به بیست و هفت هزار رسیده است»^۱.

ماده بیست و ششم اعلامیه می‌گوید: «هر شخصی حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود». اما در سراسر جهان بیش از یک میلیارد بیسواد وجود دارد.

ماده بیست و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هر شخصی به‌عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد». اما یک‌ونیم میلیارد انسان در این کره خاکی در فقر زندگی می‌کنند. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش ۲۰۰۹ خود به این نتیجه رسیده است که اکثریت ساکنان کره زمین در وضعیتی نامطمئن، ناعادلانه و فاقد شأن و احترام زندگی می‌کنند. همین سازمان در گزارش سال ۲۰۱۰ خود ضمن انتقاد از برخی کشورهای خاورمیانه به صراحت از دول مدعی حقوق بشر همچون فرانسه به دلیل سوءرفتار با مهاجران و از دولت‌های اروپایی به دلیل وضع نامطلوب و تبعیض ناروا علیه اقلیت‌های قومی مذهبی به شدت انتقاد کرده است.^۲ بحران بزرگ‌تر آن است که هنوز ۴ میلیارد نفر از دسترسی به امکانات حقوقی برای دفاع از منافع و این قبیل حقوق انسانی خویش بی‌بهره‌اند و یک میلیارد نفر نیز حاشیه‌نشین و ساکن زاعه‌ها و کپر‌ها هستند. ماده بیست و سوم این اعلامیه از حق کار برای همه انسان‌ها می‌گوید. اما فارغ از سایر کشورهای خاورمیانه، در کشوری نسبتاً توسعه‌یافته و قدرتمند در منطقه چون ایران، تنها در سال ۱۳۸۸ بیش از دو میلیون و نیم انسان بیکار وجود داشت و طبق پیش‌بینی شمار کسانی که محروم از داشتن «شغلی سالم» هستند در سال ۱۳۹۱ دو برابر شد و به نزدیک پنج میلیون نفر رسید و تورم رسمی ۳۵ درصد در آغاز سال ۱۳۹۲ بر آن افزود.^۳

۱. مصاحبه با روزنامه آلمانی «دی ولت»، بیست و چهارم آذرماه ۱۳۸۷.

۲. جالب‌تر آنکه این سازمان در گزارش مختصر و رایگان خود اسم فرانسه را حذف نموده است:

<http://thereport.amnesty.org/fr/report-10-at-a-glance>

تأکید بر روی کلمه رایگان بدین منظور است که متأسفانه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی که عموماً در آمریکا و اروپا مستقر شده‌اند و با هزینه تمام کشورهای عضو اداره می‌شوند، به‌صورت تعجب‌آوری، همین نهادهای مجری و ضامن عدالت در جهان از ساختار ناعادلانه‌ای برخوردارند. ساده‌ترین نمونه این بی‌عدالتی آنان، همین فروش اسناد بین‌المللی به محققان دول آفریقایی و آسیایی است که دسترسی مستقیم به این گونه مراکز و اسناد ندارند و، در عوض، رایگان‌بودن بهره‌مندی محققان و دانشجویان کشورهای اروپایی و آمریکایی از امکانات علمی، اسنادی، کتابخانه‌ای و... این مراکز بین‌المللی است که متأسفانه تنها در این بخش جهان مستقر و متمرکز شده‌اند.

<http://shop.amnesty.org/products/rapport-2010-damnesty-international>

3. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,2406323,00.html>

در حالی که اعلامیه‌های حقوق بشری بر آزادی انسان‌ها بنا شده‌اند و مخالف هرگونه بردگی هستند، امروزه افیون‌های برده‌ساز در سایه بزرگترین قدرت‌های سلطه‌گر جهانی افزایش می‌یابند. براساس گزارش سازمان ملل، در ۲۶ ژوئن (۶ تیرماه) ۲۰۰۸، به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر، ۹۲ درصد کل تریاک تولیدشده در جهان منشأ افغانی^۱ و ۵۰ درصد از حشیش تولیدشده در جهان منشأ آمریکایی دارد.

در آغازین روزهای سال ۲۰۱۰، شاهد نصب اسکنرهای بدن‌نما در عموم فرودگاه‌های اروپا بودیم. این دستگاه‌ها از سه بعد تصاویری عریان از مسافران را عیان می‌سازند.^۲ آیا شهروندان جهان معاصر به سوی فقدان کرامت انسانی به جای کسب امنیت می‌روند؟ در اروپا «دیوان عالی اروپا هم اکنون با کوهی از پرونده‌ها و شکایت‌های حقوق بشری دست به گریبان است. تنها در سال ۲۰۰۸ حدود هشتاد هزار پرونده حقوقی در استراسبورگ در دست بررسی بود و این روند روبه فزونی است.» علاوه بر شکایت از فرانسه و آلمان، فقط در سال ۲۰۰۷ حدود بیست هزار مورد شکایت درخصوص نقض حقوق بشر در روسیه به دیوان عالی اروپا رسیده است.^۳ در گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر با عنوان «مستبدانی که نقاب دموکرات‌ها را بر چهره زده‌اند» موارد نقض حقوق بشر در بیش از ۷۵ کشور ثبت شده است.^۴ کنت روت،^۵ رئیس سازمان دیده‌بان حقوق بشر، گزارش این سازمان درباره وضعیت حقوق بشر در جهان را در شهر واشنگتن به آگاهی همگان رساند. وی در این باره گفته است که حتی سرسخت‌ترین دشمنان دموکراسی در دنیا هم در این میان خود را «دموکرات» می‌خوانند.^۶ به گزارش سازمان دیده‌بان

۱. در افغانستان در سایه زمینه‌سازی‌های نیروهای متفق، علاوه بر تریاک و هروئین در سال‌های اخیر تولید حشیش نیز رشد پرشتایی یافته است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ سطح زیر کشت شاهدانه برای تولید حشیش از سی هزار هکتار به هفتاد هزار هکتار رسیده است. آنتونیو ماریا کوستا (Antonio Maria Costa) مدیر اجرایی «دفتر سازمان ملل برای مبارزه با مواد مخدر و بزه‌کاری» (UNODC) می‌گوید که به‌ویژه بایستی مانع کشت خشخاش شد. این امر اما مستلزم مبارزه واقعی و پیگیر با طالبان است؛ تعهدی که لزوماً از سوی متفقین جدی تلقی نمی‌شود.

2. Le scanner de Manchester déshabille les passagers. Lundi, 19 Octobre 2009 08:03 :

<http://www.businesstravel.fr/200910193240/newsflashes/newsflash/le-scanner-de-manchester-deshabille-les-passagers.html>

۳. ده‌ها هزار پرونده حقوق بشری در دیوان عالی اروپا:

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,3089607,00.html>

4. <http://www.hrw.org/french/>

Rapport 2008: Les simulacres de démocratie minent les droits humains

<http://www.hrw.org/french/>

5. Kenneth Roth

۶. این هتاکي ابر قدرت‌ها و مدعیان حقوق بشر سخت ما را یاد مثل نمک و خواص فسادزایی آن می‌اندازد که روزگاری نباید که خود نمک فاسد شود: «یا معشر الرعاظ یا ملح البلد/ ما اصلاح للملح اذا الملح فسد؟»

حقوق بشر، بسیاری از دیکتاتورها بی مجازات می‌مانند، چون می‌توانند چهره‌شان را با نقابی پوشانده، خود را دموکرات جلوه دهند. این سازمان مدافع حقوق بشر، که مرکز آن در آمریکا، با انتقاد شدید از آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر غربی می‌افزاید: تا زمانی که دیکتاتورها انتخاباتی به‌ظاهر دموکراتیک برگزار کنند، و منافعی برای آن کشورها داشته باشند، آن‌ها نیز مانع نقض حقوق بشر در کشورهای مزبور نمی‌شوند. روت اضافه می‌کند که بسیاری از مستبدانی که خود را دموکرات جلوه می‌دهند، شریکان مورد علاقه آمریکا و اتحادیه اروپا هستند، و این جمع‌بندی دلسردکننده دیده‌بان حقوق بشر^۱ در حقیقت مایه ننگ عصر حقوق بشر شده است. همچنین، در مقدمه گزارش ۲۰۰۸ سازمان حقوق بشری «عفو بین‌الملل»، که در روز چهارشنبه (۲۸ مه ۲۰۰۸) انتشار یافت، آمده است:

شصت سال پیش زمانی که کشورهای عضو سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کردند، با توافق در مورد مجموعه‌ای از حقوق بنیادین، بسی خردمندی و تدبیر از خود نشان دادند. اما آن‌ها با گذشت زمان هدف مشترک را فراموش کردند، و اینک حقوق بشر برای دولت‌ها عامل ایجاد جدایی است نه پیوند.^۲

پرونده‌ای که «عفو بین‌الملل» در مورد نقض حقوق بشر در سال ۲۰۰۷ فراهم کرده، به حق می‌تواند سیاه خوانده شود. در ۸۱ کشور، پرونده‌های ثبت‌شده‌ای از اعمال شکنجه وجود دارد. هنوز برای رئیس‌جمهور دولت ابرقدرتی چون آمریکا، بالاترین دغدغه دنبال توله‌سگ بودن است تا مجازات عوامل شکنجه در زندان‌های ابوغریب، گوانتانامو، باگرام،^۳ یا منع ارسال و استفاده از

۱. دیده‌بان حقوق بشر یک سازمان مردم‌نهاد است که همانند دیگر سازمان‌های غیردولتی (NGO) است. در حقیقت به آن‌ها نوعی نگهبان حقوق بشری گفته می‌شود. به عبارت دیگر اگر مسائل مرتبط با حقوق بشر در هر مکانی یا کشوری اتفاق می‌افتد، بر آن تمرکز کرده و برای آن مدارک جمع می‌کند و در مجامع بین‌المللی عرضه می‌کند. البته باید افزود که این گزارش‌ها باید در مجامع بین‌المللی که نماینده کشورهای مختلف حضور دارند، ارائه شود و مورد تأیید آن‌ها قرار بگیرد. بنابراین تا زمانی که این کشورها درباره این گزارش‌ها نظر ندهند تأثیرگذار نخواهند بود و نمی‌توانند به سمت محکوم‌کردن‌های جدی پیش روند و فقط می‌توانند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند. نک. www.hrw.org/

2. Soixante ans d'échecs en matière de droits humains les états doivent présenter des excuses et agir://www.amnesty.org/fr/news-and-updates/sixty-years-human-rights-failure-governments-must-apologize-and-act-nov-200805; <http://thereport.amnesty.org/fra/Homepage>

۳. صلیب سرخ بین‌الملل از سال‌ها قبل برای مقاعد ساختن دولت آمریکا جهت کسب اطلاع از وضعیت زندانیانی که در زندان‌های مخفی آمریکا در خارج از این کشور نگهداری می‌شوند، مبارزه می‌کرد. گزارش این سازمان (در ۲۶ اوت ۲۰۰۹) حاکی از شیوه‌های بسیار ضد انسانی توسط سیا در برخورد با زندانیان است:

<http://www.hrw.org/fr/news/2009/08/25/tats-unis-un-rapport-de-la-cia-montre-la-n-cessit-d-unc-enquete-sur-divers-actes-de->

بمب‌های فسنفری و خوشه‌ای در نسل کشی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در فاجعه غزه.^۱ هنوز در ۴۵ کشور، افراد را به دلیل مخالفتشان با سیاست حاکم تحت پیگرد قرار می‌دهند. در دست کم ۷۷ کشور آزادی عقیده و بیان آشکارا نقض می‌شود. انتقاد از ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان مهمترین قدرت جهانی، جای برجسته‌ای در گزارش ۲۰۰۸ «عفو بین‌الملل» دارد. آمریکا مدعی است که برای شیوه رفتار سیاسی معیارگذار است، اما رفتاری که در جریان مبارزه‌اش با تروریسم داشته است، با موازین حقوق بشر بین‌المللی و رسمی جهان هم همخوان نیست. هنوز رئیس‌جمهور یک ابرقدرت در جهان وقیحانه از ضرورت شکنجه دفاع می‌کند.^۲ «عفو بین‌الملل» در این رابطه به شیوه رفتار آمریکاییان با کسانی اشاره می‌کند که آنان را به اتهام تروریسم، اسیر کرده‌اند.

آمریکا در اعمال سیاست‌های جهانی‌اش تنها نیست. اتحادیه اروپا نیز در مجموع با آمریکا همراهی می‌کند و، به نظر «عفو بین‌الملل» در پایمال کردن حقوق انسانی با آمریکا همدستی‌هایی داشته است. در سال‌های گذشته برخی کشورهای اروپایی در نقض حقوق انسانی توسط آمریکاییان در جریان مبارزه با تروریسم همکاری کرده‌اند. حکومت‌ها به خواست تحقیق درمورد آدم‌ربایی و دستگیری‌های غیرمجاز و شکنش درخور نشان نداده‌اند. «عفو بین‌الملل» در همین رابطه از دولت آلمان نیز انتقاد کرده است.

خطرات امروزی در جهان خطری برای بشریت شده است. در جایی که کشورهای اروپایی و آمریکا سوزاندن لاستیک خودرو توسط هندوهای فقیر حاشیه خیابان در دهلی نو و بمبی در زمستان‌های سرد را به‌عنوان جرم زیست‌محیطی علیه بشریت قلمداد می‌کند، کسی نمی‌تواند از آمریکا به دلیل در دست داشتن رکورد تولید گازهای گلخانه‌ای، تخریب لایه ازن و نیوستن به پیمان کیوتو^۳ و بی‌اعتبار کردن کنفرانس زیست‌محیطی کنهات ۲۰۰۹ خرسند باشد. هیچ‌کس نباید

۱. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز سوم آوریل ۲۰۰۹، به کمیسیونی تحت ریاست ریچارد گلدستون مأموریت داد که موضوع ارتکاب جنایات جنگی در جنگ غزه را مورد بررسی قرار دهد. این کمیسیون در گزارش خود ارتش اسرائیل را به ارتکاب جنایت جنگی و در برخی موارد جنایت علیه بشریت متهم ساخت. در پایان تهاجم نظامی اسرائیل، گروهی از سربازان این کشور با امضای بیانیه‌ای، همقطاران خود را متهم کردند که افراد غیرنظامی را به صورت هدف به رگبار بسته‌اند و خانه‌های آنان را بر سرشان خراب کرده‌اند. بیشتر نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر همچنان تأکید کردند که در باریکه غزه جنایت جنگی رخ داده است. آن‌ها به ویژه ارتش اسرائیل را به خاطر استفاده از نارنجک‌های محتوی فسفر سفید محکوم کردند. فسفر سفید سبب می‌شود پوست انسان‌ها به شدت بسوزد. با این‌همه، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد رأی‌گیری درباره «گزارش گلدستون» را تا چند ماه به تعویق انداخت.

2 Jennifer Loven, AP White House Correspondent, Bush defends presidency in final news conference; http://news.yahoo.com/s/ap/20090112/ap_on_go_pr_wh/bush_news_conference

۳ Kyoto Protocol: پیمان کیوتو پیمانی است بین‌المللی به‌منظور کاهش صدور گازهای گلخانه‌ای، که عامل اصلی گرمایش زمین در دهه‌های اخیر محسوب می‌شوند. این پیمان که پیمان‌نامه ریو را تکمیل و ترمیم می‌کند در چارچوب سازمان ملل متحد

در سال ۲۰۱۰ نسبت به ورود روزانه بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت به خلیج مکزیک، که حاصل بی‌توجهی آمریکا و انگلیس به قوانین محیط زیستی و حقوق نسلی است، خشمگین نباشد. بنابراین در طلیعه قرن بیست‌ویکم، فعالان حقوق بشر، به‌رغم امیدهای اولیه^۱ از سرفست در وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان سخن گفتند. اصول و مواد ناظر به حقوق انسان‌ها عملاً ناموفق جلوه کرده‌اند. در کنار این اصول و قوانین حقوق بشر، شرمندگی از ناکارآمدی تمام سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، از عصر جامعه ملل تا تأسیس اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل^۲، در احقاق حقوق مردم بی‌دفاع فلسطین همچنان باقی است.^۳ دیوار سیاسی برلین و حایل غیرانسانی آپارتاید در آفریقای جنوبی، سرانجام با تلاش‌های بسیار، در اواخر قرن بیستم، فرو ریخت. اما، در آغاز قرن بیست‌ویکم، دیوار ضد بشری حایل صهیونیستی برافراشته شد. قطعنامه‌های سازمان ملل، به‌ویژه طی سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۷۴ و ۱۹۹۷ و مشابه آن، هیچ تأثیری بر اشغالگران حتی در به‌رسیت‌شناختن حق طبیعی بیش از چهار میلیون آواره فلسطینی بر بازگشت به وطن خویش نداشتند. هنوز در قرن بیست‌ویکم چه جسورانه برخی کشورها آشکارا بخشی از شهروندان خود را از حداقل حقوق شهروندی از جمله حق مسکن و حق اقامت و امنیت محروم

شکل گرفت. طی سال‌های اخیر با افزایش گازهای گلخانه‌ای نظیر متان، دی اکسید کربن، بخار آب و اکسید نیتروژن در جو زمین، دمای کره در حال افزایش است که این امر باعث ایجاد تغییرات ناخوشایند در محیط زیست خواهد شد.

۱. فدریکو مایور، مدیر کل اسبق یونسکو، در ارتباط با اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان کرد: «اعلامیه جهانی حقوق بشر از متن‌های راهما و روشن‌گر در تاریخ بشر است. پیکار خستگی‌ناپذیر برای دفاع از حیات و کرامت انسان و بر ضد تمام بیدادگری‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با حد و مرزهایی مانند قراردادهای مجموعه‌های قوانین، بانها، اعلامیه‌های مشخص‌شده که نشانه پیروزی اذهان هستند و در وجدان بشر و قوانین مکتوب یا مرسوم نقش بسته‌اند. نک. گن جانسون، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نی، ۱۳۷۷، ص ۹.

۲. بیش از سه دهه بود که یکی از مدعیان و متولیان اصلی دفاع از این حقوق انسانی، در حوضه عمل، «کمیسیون حقوق بشر» سازمان ملل متحد بود. اما به دلایل متفاوت از جمله سوءاستفاده دولت‌ها و بالاخص قدرت‌های بزرگ نظامی و اقتصادی جهان چون ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین، اعتبار این کمیسیون دچار بحران شده بود. در این راستا تلاش‌هایی توسط برخی مدافعان دولتی و غیردولتی حقوق بشر برای بهبود وضعیت این حقوق در جهان صورت گرفت که منجر به بازبینی در عملکرد گذشته کمیسیون و تأسیس نهادی جدید در سازمان ملل متحد گردید. شورای حقوق بشر به مثابه نهادی با رویکرد جدید پس از ماه‌ها بحث و منازعه با تأیید مجمع عمومی سازمان ملل سرانجام در ۱۲ ماه مارس ۲۰۰۶ جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شد. این شورا در تاریخ ۱۹ ژوئن (۲۹ خرداد) همان سال با حضور نمایندگان یکصد کشور، از جمله جمهوری اسلامی ایران، رسماً افتتاح شد. هدف اولیه آن شورا در حقیقت تقویت حقوق بشر در سطح جهان است و مستقیماً زیر نظر مجمع عمومی به فعالیت می‌پردازد. با وجود این، باید هنوز سال‌ها منتظر ماند تا شورا بتواند از ارگانی زیر نظر مجمع به ارگانی اصلی و کارا در سازمان ملل متحد و در سطح جهان تبدیل شود.

می‌کنند و رفتار انسانی با اقلیت‌های نژادی و زبانی جامعه خود را رسماً به سخره می‌گیرند.^۱ بسیاری از دولت‌های به‌ظاهر صلح‌دوست در غرب به‌عمد بر طبل جنگ می‌کوبند و در حوادث غزه ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با سد حق آزادی اعتراض و تجمع، حتی مانع فراخوان‌های صلح می‌شوند.^۲ هنوز هم، به‌رغم اخطارهای مکرر سازمان‌های مدافع حقوق بشر (همچون گزارش‌های سالیانه و مکرر سازمان عفو بین‌الملل به‌ویژه در سال ۲۰۱۰)، همواره «دول اروپایی و آمریکایی با ابزارکردن شورای امنیت به‌شدت از دولت صهیونیستی در قبال اقدامات سبعانه این رژیم علیه حمایت‌های بشردوستانه جهانیان پشتیبانی می‌کنند».^۳

در نتیجه شاید بتوان مثل عموم مردم جهان باور کرد که تا این واقعیت‌های ضد حقوق بشری در سطح جهانی وجود دارد، داعیه‌داری توسعه حقوق بشر و دموکراسی از سوی برخی از دولت‌ها و ابرقدرت‌های امروری جهان گزافه‌ای بیش به‌نظر نمی‌رسد. جالب است که در این باره، در گزارشی به‌نقل از کت روت رییس سازمان دیده‌بان حقوق بشر آمده: «مستبدانی که ادعای مبارزه با تروریسم و شراکت با غرب را دارند، می‌توانند امیدوار باشند که آمریکا و اتحادیه اروپا از آن‌ها مسئولیتی نمی‌طلبند» او می‌گوید آمریکا دلایلی درک‌کردنی دارد برای اینکه با صدای بلند از به اصطلاح شریکانش انتقاد نکند، چون «محض اینکه آمریکا چیزی درباره حقوق بشر می‌گوید، مردم به یاد گوانتانامو، شکنجه و زندان‌های مخصوص سازمان سیا می‌افتند».^۴

سرزمین‌های هفتاد کشور جهان در حال حاضر الوده مین‌های ضد نفری است که براساس کنوانسیون اوتاوا تولید آن منع شده است، اما دولت‌های بزرگ تولیدکننده آن، یعنی آمریکا و چین، هنوز آن را امضا نکرده‌اند. برای هر چهار نفر افغانی یک مین ضد نفر در این کشور کاشته شده است. هنوز در جهان ۴۴۰ میلیون بمب خنثی‌نشده پراکنده است که به‌مراتب کشنده‌تر از مین‌ها

۱. در اسرائیل بیش از یک و نیم میلیون نفر با تبار عربی زندگی می‌کنند. زبیی زوی وزیر خارجه اسرائیل در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۸ اظهار داشت که این افراد شهروندان اصیل اسرائیل نیستند. هر چند این ایده که فلسطینی‌های اسرائیل شهروند حقیقی اسرائیل نیستند دیدگاه تازه‌ای نیست و بارها از جانب راستگرایان اسرائیل ابراز شده است. عجیب آن است که این بار همان نظرات افراطی از زبان وزیر خارجه اسرائیل ادا می‌شود.

۲. پتر فیلیپ کارشناس در مسائل خاورمیانه می‌نویسد: «کسانی باید در این باره تأمل کنند که به‌خصوص در واشنگتن و نیز در پایتخت‌های کشورهای اروپایی، از جمله در برلین، با درکی غلط از همبستگی از اسرائیل حمایت می‌کنند و حتی در حال حاضر جلوی فراخوان‌هایی را می‌گیرند که برای برقراری آتش‌بس داده می‌شوند». نک. پتر فیلیپ، گره کور: حمله زمینی اسرائیل به غزه،

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,3920348,00.html>

3. Les États-Unis et des pays d'Europe ont ainsi fait usage de leur position au sein du Conseil de sécurité des Nations unies pour protéger Israël contre des mesures énergiques visant à lui faire répondre de crimes de guerre présumés et de possibles crimes contre l'humanité qui auraient été commis dans la bande de Gaza.

Le Rapport 2010 en un coup d'œil : <http://thereport.amnesty.org/fr/report-10-at-a-glance>

4. <http://hrw.org/french/docs/2008/01/31/usintl7942.htm>

هستند. هنوز جنگ‌های به‌ظاهر خاتمه‌یافته کشته می‌گیرند، گویی جنگ‌های مدرن و پسامدرن برخلاف جنگ‌های کلاسیک، صلح ندارند. بزرگترین سازندگان و فروشندگان اسلحه در جهان، کشورهای غربی طرفدار حقوق بشر از جمله آمریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان هستند که در کنار چین و روسیه همگی جزو هشت کشور عمده صنعتی جهان هستند. فقط در بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱ آمریکا به تنهایی سالانه بیش از دوازده میلیارد دلار فروش آلات جنگی داشته است. جنگ علیه شورشیان در یمن و شبه‌نظامیان در کنگو، سوریه و عراق چگونه تأمین می‌شود و نهادهای ناظر به حقوق انسانی چرا سکوت اختیار کرده‌اند؟^۱ عموم واردکنندگان این سلاح‌ها کشورهایی چون اسرائیل، عربستان، عراق و افغانستان بوده و هستند که از نظر صادرکنندگان همواره ناقض حقوق بشر معرفی شده و می‌شوند.^۲ آیا می‌توان باور کرد که امپراتوری‌های اقتصادی معاصر، همان دشمنان سرسخت حقوق بشر و دموکراسی امروز نیستند؟

این چالش اسباب تراجعی ناخواسته یا زمینه تحریک سوءتفاهم غرب و شرق، به‌ویژه در برخی اندیشمندان مسلمان، نیز شده است.^۳ نصر حامد ابوزید در این خصوص با انتقادی تند می‌نویسد:

حقوق بشر محصول تاریخ کشمکش‌های انسانی - از زمان اسپارتاکوس در روم تا نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی - بر ضد تعالی انواع بی‌عدالتی‌های بشری است. چنانچه هر فرهنگی بر روی زمین به‌طریقی و به‌طور تاریخی سهم خود را به مدرنیته و تکوین اعلامیه حقوق بشر ادا کرده باشد، چرا آن‌ها نباید به یک اندازه در مزیت‌های مدرنیته و حقوق بشر سهیم باشند؟ اکنون برای بار دیگر توپ در قسمت غربی زمین بازی است. اروپای سیاسی و ایالات متحد هنوز هم در عصر تفوق انسان سفید زندگی می‌کنند، به این معنا که آن‌ها فقط هنگامی به حقوق بشر توجه دارند که حقوق انسان سفید در معرض صدمه قرار گرفته باشد. اما چنانچه تجاوز به حقوق بشر متوجه مردم غیرسفیدپوست گردد اروپای سیاسی و ایالات متحد بسیار به نرمی واکنش نشان خواهند داد - یعنی اگر اصلاً واکنشی در کار باشد. از نظر مردم غیرغربی بهره‌کشی، بی‌عدالتی و تحقیر سه عامل روشنی هستند که روابط مبنایی میان غرب و بقیه جهان را تعیین می‌کنند. موضوع حقوق بشر پیوسته برای خدمت به

۱. برای مثال در سال ۲۰۰۹ در کنگو نیروهای نظامی یا شورشی به صلحزار زن تجاوز کرده‌اند، و سیصد هزار کودک سرباز در این کشور وجود دارد. در کشمکش‌های داخلی کنگو تعداد بیشماری از مردم کشته شده‌اند. از هر هزار زن پانزده نفر موقع زایمان می‌میرند، چون سیستم بهداشتی دولتی در این کشور وجود ندارد و دولت تعهدی برای برآورده کردن حقوق انسانی مردم نمی‌بیند. چرا در کنگو و یمن وضعیت حقوق بشر باید چنین وخیم باشد؟

۲. http://www.sciencespo.fr/cartographie/cartes/monde/armes_armees/importexport_defense91/armes_impexp_91.gif

۳. محمدجواد جاوید و یاسر مکرمی، نقش کشورهای اسلامی در تدوین و تصویب اسناد جهانی حقوق بشر، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۰، ص ۵۳.

علائق سیاسی و اقتصادی غرب استفاده می‌شود. چنانچه این منافع از امنیت کافی برخوردار باشند دیگر نیازی به استمداد طلبیدن از حقوق بشر نیست.^۱

در این بین، طبعاً یکی از راه‌های بازشناسی مدعیان دورغین از بشردوستان حقیقی در مسیر فهم حقوق بشر و حقوق شهروندی و نوع روابط و شکل تعامل این دو میسر خواهد بود.

۲. مرز نظری حقوق بشر و حقوق شهروندی در جهان معاصر

مطالب بیان‌شده نشان می‌دهد که حقوق بشر در جهان معاصر، هم در عرصه نظر و هم در عرصه عمل، با چالشی مهم مواجه شده است. حقوق بشر، با غایات بسیار انسانی و ارزشمند، حکایت از کشفی بزرگ در عصر جدید برای انسان مدرن دارد؛ اما این بدین معنا نیست که در گذشته فهمی از حقوق بشر وجود نداشته است. در گذشته، بشر به حقوق انسانی آگاه بوده و تنها قالب‌بندی علمی آن را، در چارچوب فعلی و آنچه را امروزه رایج است، ناتمام گذارده بوده است. همین مسئله باعث شده بود تا مردمان و دولتمردان، ضمن توافق ضمنی بر قواعد تعامل انسانی، نقض آن اصول نانوشته و عرفی را نقض حقوق انسانی قلمداد کنند و، در رایج‌ترین ساختار فلسفی آن، از حقوق طبیعی سخن به میان آورند؛ چنین فهمی از حقوق قدمتی به عمر بشر در عرصه نظر و عمل دارد. اما مشکل، امروزه، که در عین حال مزیت حقوق انسانی در عصر حاضر نیز تلقی می‌گردد، آمیخته‌شدن حقوق فردی با نقش دولتی است. به عبارت دیگر، آوازه حقوق بشر به برکت رسانه‌ها و ارتباطات روبه‌رشد، از اواخر قرن نوزدهم، امروزه تا دورافتاده‌ترین دهکده‌ها نیز رسیده است؛ حقوق بشر همچنان که شایسته نام آن است فراگیر و جهانی شده است. اما این فهم جهانی از حقوق بشر لزوماً دیگر آن فهم اجماعی گذشته نیست، بلکه منشورها، اعلامیه‌ها و میثاق‌های متعدد تلاش کرده‌اند به نوعی اصول مندرج در این نوشتارهای قراردادی را همان اصول وثیق، اصیل و مورد اجماع عقل جمعی جهانیان بدانند و رویه‌ها و روش‌های مغایر این مواد را ضد حقوق بشری بنامند.

همین مسئله باعث سرازیر شدن انبوهی از اعتراضات فردی و عمومی نسبت به اعلامیه‌های فوق گردیده است. به علاوه، یکدست و محرز تلقی‌شدن این قواعد برای تدوین در نزد نگارندگان آنان، لزوماً به معنای اجرای مطابق ذهن قانونگذار نبوده است. چرا که به همان نسبت که قواعد

1 Nasr Abu-Zayd, The Concept of Human Rights, the Process of Modernization and the Politics of Western Domination, Ibn Khaldun Center for Development Studies. Vol. 7, 1998.

نصر حامد ابوزید، «مفهوم حقوق بشر، فرآیند نوسازی و سیاست‌های استیلای غرب»، مرکز مطالعات توسعه ابن خلدون، ترجمه علی محمد طباطبایی، ایران، ۱۳۸۳/۱۰/۶.

نسبتاً شفاف و محدودیت‌ها تعریف گردیده است، در عمل نیز به همان نسبت ابرقدرت‌ها در برابر سایر دولت‌ها و دولت‌ها در برابر شهروندان به تحریف، یا توان تفسیری، گسترده‌تری دست یافته‌اند. در نتیجه، پرسش بنیادین در درجه اول ناظر به فهم خود مقوله و عناصر و اجزای حقوق بشر است. در مرحله بعد، باید دید این نوع از حقوق چه تفاوت‌ها و تناسب‌هایی با حقوق شهروندی دارد که عموماً با تصدی دولت‌ها تعریف و تعقیب می‌گردد. در مرحله سوم، باید فهمید که این هر دو شکل از حقوق به حقوق طبیعی و اولیه انسانی تا چه میزان وفادار هستند.

در این روکرد، البته نباید فراموش کرد که اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ یکی از نمادهای پیروزی مکتب حقوق طبیعی در طول قرن‌ها رقابت آن با حقوق موضوعه است. این اعلامیه به طرز نیکویی حکایت از وابستگی حقوق و قواعدی که انسان تدبیر و ترسیم می‌کند به حقوق و قوانینی است که در اندرون انسان تعبیه شده و در نتیجه تغییرناپذیر و جاودانه‌اند. بر این اساس، از این پس حقوق شهروندی دیگر، چیزی بیش از نمودهای ویژه از حقوق بشر نخواهند بود. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی جلوه‌های خاص ظهور حقوق جهانشمول انسانی در درون جوامع مدنی است. به این اعتبار، ثمره درخت تنومند حقوق بشر است که ثمره‌هایی در شاخسارهای خود به نام حقوق شهروندی توزیع می‌کند. تمام مدعای این نوشتار آن است که هرچند این ساقه‌ها و شاخه‌ها و به تبع آن میوه‌های آن‌ها سری در تنه قوی حقوق بشر دارند، ضرورتاً نباید به همان سترگی تنه باشند. چرا که اقتضات جوامع و نوع فرهنگ‌ها، کیش‌ها و کنش‌ها و حتی قدرت‌ها و حکومت‌ها اسباب تعدیل‌ها و تحدیدهایی در این حقوق می‌گردند. تا زمانی که این محدودیت‌ها منجر به ممنوعیت‌ها نگردیده و تا زمانی که تحدید حقوق بشر در جامعه داخلی به مرحله تعطیلی نینجامیده، نمی‌توان آن دولت تحدیدگر را از منظر حقوق طبیعی محکوم به عدم مشروعیت کرد و در نتیجه آن را تهدیدی برای حقوق بشر قلمداد نمود. زیرا آنچه بنابر مصالح عمومی توسط دولت مشروع محدود شده، نه حقوق بشر بلکه حقوق شهروندی است، و این رویه رایجی در بین تمامی دولت‌ها در طول تاریخ بوده و هست و اساساً این اصلاح شاخسار برای تنومندی و رشد تنه درخت ضروری و حتی اجتناب‌ناپذیر است. در عین حال، نمی‌توان از پاشنه آشیل این تئوری نسبت حقوق شهروندی در مقوله «دولت مشروع» فارغ بود.

هدف اصلی این نوشتار، بیان این ایده است که نقد فلسفه حقوق بشر معاصر نیازمند فهم دو مفهوم است: اطلاق در حقوق طبیعی انسان‌ها و نسبت در حقوق شهروندی انسان‌ها. گفته خواهد شد که نظریه اطلاق در حقوق طبیعی مبتنی بر اصلی ذهنی در درون است و، به همین نحو، نظریه نسبت در حقوق شهروندی تحلیلی عینی ناظر به توضیح وضع بیرون است. این دو، متأثر از هم و مرتبط با هم، دو بُعد از وجود آدمی را در عرصه زندگی به تفسیر می‌کشند که در

عمل تفکیک‌ناپذیرند.^۱ لذا این نوشتار در دو جلد ارائه خواهد شد: جلد اول، با عاریت‌گیری از نظریه نسبیت در حقوق شهروندی، به نقد و تحلیل نظری جایگاه عارضی حقوق بشر وضعی در برابر موقعیت ذاتی حقوق طبیعی می‌پردازد. بسیار طبیعی است که مفروض در توضیح این گذر با گذار از قوانین طبیعت و قوانین طبیعی بشر میسر خواهد بود. غایت این بحث، به صورت عینی‌تر، با قید قوانین شهروندی در ذیل مفهوم حقوق اسلامی در جلد دوم کتاب بررسی خواهد شد. مفروض نوشتار حاضر، به صورت مشخص، آن است که هر قانونی در برابر قانون طبیعی لرزان است. از این مفروض می‌توان با فرضیه اصلی دو جلد کتاب آشنا شد به صورت زیر می‌توان بیان داشت: «بدون فهم تمایز حقوق بشر از شهروندی مبتنی بر نظریه نسبیت در حقوق شهروندی هر نوع نقدی از مبانی فلسفی حقوق بشر ناتمام است. در کتاب دوم این فرضیه با حقوق اسلامی سنجیده شده و حقوقی دینی نیز تا این مناطق آزموده می‌شود.

غایت کتاب حاضر این است که با نقد نظریه‌های رایج از حقوق بشر و شهروندی به ویژه نگاه‌های پزیتیستی و وضعی، در عمل مبسوط «نظریه نسبیت در حقوق شهروندی» را، که همواره در طی سال‌های اخیر موجب نقد و نظرها و کم‌وبیش سوءتفسیرهایی در میان دانشگاهیان بوده است، توضیح دهد. برای این منظور، پایه منظومه نظری کتاب همان نگاه فلسفی مکتب حقوق طبیعی قرار داده شده که، همان‌گونه که در جلد دوم این کتاب توضیح داده خواهد شد، دارای رابطه تساوی با بنیان‌های اندیشه حقوق اسلامی، به ویژه در مکتب شیعی، است.

از این رو، کتاب نخست قصد دارد جهان‌شمول و قابل تعمیم بودن این تئوری را با اتکا به تفسیر حقوق از طبیعت انسانی توجیه و تفسیر کند. توضیح بیشتر آنکه، کتاب نخست درصدد است به صورت مبسوط نشان دهد که تفکیک حقوق بشر از حقوق طبیعی انسان هرچند امروزه بدیهی به نظر می‌رسد، سترگ‌ترین نظریه‌های فلسفی از حقوق بشر قدیم عموماً مبتنی بر قرائتی فطری و طبیعت‌گرانه از حقوق بشر بوده‌اند. به طوری که اساساً سخن از حقوق انسانی برای افراد جامعه انسانی بدون ابتدا بر جوهر و ذاتی ثابت قابل استناد و شمول‌بخشی نبود. نظریه‌های جدید در مقابل توانسته‌اند با گسستن از گذشته، در نظر و عمل، مسیری خاص را در ترسیم حقوق انسانی در پیش بگیرند که خود را دیگر ملزم به توجه به تبار و مرکزیت واحدی نمی‌دانند. هریک از این آراء مقدماتی، نتایج و آثار متفاوتی دارند. بنابراین، می‌گوییم حقوق انسانی از جهات و ابعاد مختلف قابل تقسیم و مطالعه است. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها ناظر به منبع اعتبار حقوق است. زیرا همان‌طور که از اشیای طبیعی عالم که اساساً مصنوع بشر نیستند و دارای هویتی مستقل از اراده انسان‌ها هستند با وصف «طبیعی» یاد می‌شوند، برخی از حقوق را نیز به سبب این که دارای اعتبار ذاتی است و ناشی از وضع و قرارداد نیست در اصطلاح حقوق «طبیعی» گویند؛ درمقابل،

۱. نک. محمدجواد جاوید، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی (تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی)، تهران: گرایش، ۱۳۸۸.

حقوقی که اعتبار خود را از وضع قانونگذار، یا شارع در حقوق شرعی، اخذ می‌کند، «حقوق موضوعه و قراردادی» می‌گویند. لذا، نقد فلسفی به حقوق بشر را نیز می‌توان بر این دو نظریه‌ای استوار کرد که در این کتاب توضیح داده شده‌اند.

البته، باید گفت که فهم کتاب دوم منوط به فهم کتاب حاضر است، چرا که هر آنکه مفهوم نسبیت در نظریه نسبیت در حقوق شهروندی را نداند از ادله انطباق حقوق اسلامی با قواعد این نظریه در مقوله نسبیت نیز طرفی نخواهد بست و شاید بهره‌او از مطالعه کتاب فراتر از کشف نوعی دلایل معقول برای حقوق انسانی در اسلام نرود. در هر حال، یکی از نوآوری‌های اثر حاضر، علاوه بر انشای آن بر نظریه نسبیت در حقوق شهروندی و انطباق آن با حقوق اسلامی، به تفسیرهایی باز می‌گردد که از انسان در حقوق اسلام شده است؛ تفسیری شاید بی‌نظیر در بین متون دینی - فلسفی که نشان می‌دهد، چگونه قانونگذار شریعت در اسلام به محوریت بشر در تأسیس مدنیت اعتقاد داشته و حقوق را نقطه تکامل جامعه بشر دانسته است. آثار چنین نگاهی البته منجر به نقد و طرد مجموعه‌ای از نگاه‌های وضعی به مبانی حقوق بشری اسلامی می‌گردد که سیالیتی بی‌پایه برای حقوق بشر در اسلام قائل هستند و یا جمودی غمناک را برای شهروند و دولت اسلامی معاصر پدید می‌آورند برای این منظور، در این جلد از کتاب از نگرش‌های مختلف فلسفی نسبت به انسان و حقوق او سخن گفته خواهد شد، بدون آنکه لزوماً باور اسلامی در آن تأکید شود. در قسمت دوم بحث، با محوریت همین انسان، به سراغ جامعه او می‌رویم تا بدانیم که چگونه دولت‌ها در قبال حقوق انسانی شهروندان خود، همواره و همگی، از نوعی حوزه خلوت برای خود سخن می‌گویند. در قسمت سوم بحث، سخن این خواهد بود که این حوزه خلوت را نباید با حیط خلوت دولت‌های تمامیت‌خواه یکی انگاشت، بلکه، در وضعیت حقوقی، مراد از حوزه خلوت دولت‌ها حیطه‌ای از حقوق عمومی شهروندان است که دولت به مثابه عقل جمعی و به نمایندگی از عموم افراد جامعه خود را مکلف به پاسداری از آن می‌بیند. درون این حوزه، دولت تمامی حق‌ها، مصالح و انتظارات مشروع عمومی شهروندان را بر حوزه‌های حقوق فردی و بشری افراد شهروند خود ارجحیت می‌دهد. مدلی که در این کتاب (جلد اول) طراحی شده است، زمینه را برای تفسیر فلسفی از حقوق انسانی اسلام (در جلد دوم) فراهم می‌کند.

این دو جلد کتاب، در سه مرحله به تفکیک و توضیح بررسی‌ها و نقدهای معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی از فلسفه حقوق بشر و فلسفه حقوق شهروندی خواهد پرداخت: اول، نظریه‌های کلان حقوق بشر و مبانی حقوق طبیعی آن را بررسی می‌کند؛ دوم، حقوق شهروندی و نقش آن در جامعه مدنی را بررسی می‌کند (جلد اول)؛ سوم، به چالشی اساسی در حوزه انتقادات به حقوق بشر و شهروندی می‌پردازد که امروزه عمدتاً دامنگیر حقوق دینی و، از آن جمله، حقوق بشر و شهروندی در اسلام معاصر شده است. در نهایت گفتار پایانی که شامل

مباحث مجزایی است، ارائه مصادیق عملی در چالش‌های حقوق و قوانین اسلامی با دو روی سکه حقوق بشر و شهروندی در دوران معاصر است (جلد دوم). پایان‌بخش جمله مباحث دو جلد کتاب در نقد مبانی فلسفی حقوق بشر منجر به استخراج سنتزی برای توضیح اتقان و اثبات فرضیه اصلی نوشتار خواهد بود که در دو صفحه قبل وصف آن گذشت.